

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چندان هم مشکل نیست!

(ساز و کارهای راهبردی در رشد و شکوفایی نظام اسلامی)



نویسنده

قاسم فرج‌اللهی

عضوهیئت علمی دانشگاه پیام نور

اگر قلبتان برای نظام اسلامی می‌تپد این
مختصر را با دقت و سعه‌ی صدر مطالعه کنید.

فرج‌اللهی، قاسم، ۱۳۳۹ -	برسنامه
چندان هم مشکل نیست / مولف قاسم فرج‌اللهی .	عنوان و نام پدیدآور
تهران: آموزش و سنجش، ۱۳۸۷.	مشخصات نشر
۱۸۲ ص.	مشخصات ظاهری
۹۰۰۰۰ ریال: ۱۶-۹-۵۱۷۷-۶۰۰-۹۷۸	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
مقاله‌های فارسی -- قرن ۱۴.	موضوع
۱۳۸۷ چ ۷۲۵ / ۸۱۵۹ PIR	ده بندی کنگره
۲۱۶۲۶۸	ده بندی یوبی
۵۰۹۷۲۳۱	شماره کتابشناسی ملی

نام کتاب: چندان هم مشکل نیست
ناشر: انتشارات آموزش و سنجش
نویسنده: دکتر قاسم فرج‌اللهی
لینوگرافی: بیروز
مرکز پخش: ۸۸۴۳۳۹۴۰ - ۸۸۴۳۳۷۲۱

• تیراژ:

• ۱۱۰۰ جلد

• چاپ:

• اول: ۱۳۸۹

• قیمت:

• ۶۰۰ تومان

• شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۵۱۷۷-۱۶-۹



حق چاپ محفوظ و متعلق به ناشر است.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۵.....	مقدمه
۱۱.....	شهری «۱»
۲۳.....	شهری «۲»
۳۳.....	شهری «۳»
۴۱.....	شهری «۴»
۵۱.....	سیاسی «۱»
۶۳.....	سیاسی «۲»
۶۹.....	سیاسی «۳»
۷۷.....	تعلیم و تربیت «۱»
۸۷.....	تعلیم و تربیت «۲»
۹۵.....	تعلیم و تربیت «۳»

صفحه	عنوان
۱۰۱	تعاون و تأمین اجتماعی
۱۱۱	اقتصاد و دارایی
۱۲۳	فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۳۵	بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۱۴۳	صنایع
۱۴۹	کشور
۱۵۷	منابع و انرژی
۱۶۳	ارتباطات و فناوری اطلاعات
۱۶۹	راه و مسکن
۱۷۵	رسانه ملی

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با سازه‌ی قرآنی و رهبری ولایی و مهندسی و ساختاری الهی، سی سال باشکوه و عظمت و بالایمان و صبر و شکیبایی و رهبری خردمندانه و با حضور فعال و بی‌دریغ مردمی و توجه و نظر خداوند متعال و صاحب عصر و زمان حضرت بقیه‌الله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا در برابر تمامی قدرتها، مکتها و قلدرها و صاحبان زر و زور و تزویر و در مقابله با هجمه‌های مختلف نظامی، فرهنگی، اقتصادی و سیاستهای هوید و چماقی با اقتدار و پشتوانه‌ی الهی بر تارک روح بلند عاشقان و شاهدان و شهیدان، اعجاب بیگانگان و انهام و شگفتی آنها را برانگیخت. به صورتی که تمامی مکر و فریب و حيله‌ی آنان بر اساس وعده‌ی قرآنی که «والله خیر الماکرین»، ضربه‌ی سنگینی بر پیکره‌ی پوشالی و توخالی خودشان وارد ساخت.

در خصوص دستاوردها و اثرات داخلی و خارجی این انفجار نور، سخن‌ها بسیار است و فراوان خواهد بود و خواهند گفت، اما بر آن شدم تا آنچه را که حاصل سالها تحقیق و تجربه بوده است در قالب ساز و کارهای راهبردی در درخشش هر چه بیشتر نظام اسلامی بطور گذرا قلم زنم که هر ساز و کار بر اندیشه و دانش و پژوهش و راهبرد و راهکارهای علمی بنا

شده است. سعی بر آن کردم تا فهرست راهبردها را در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف عنوان کنم که اگر ساختار و سازمان اجرایی هر یک را طلب کرد، به تفصیل بدان پردازم.

این اندیشه با مقدمات یا اگرهای بسیار همراه بود که تحقق هر «اگر» می‌توانست ما را چندین فرسنگ به جلوتر ببرد و بدیهی است هر قدمی که پیش می‌نهم باید آماده‌ی چالش و تنش باشیم و در این راه از ایمان و استقامت و شهامت و شجاعت بسیار باید بهره‌مند شد. اگر مسئول هر سازمان و ساختار از ریاست جمهوری تا وزرا و مدیران ارشد و نمایندگان، از روز نخست خاطرات مسئولیت خود را ثبت و ضبط می‌کردند و برنامه‌های مورد نظر، عوامل و موانع، فرصت‌ها و تهدیدها، چالش‌ها و تنش‌ها و همگرایی‌ها و بالاخره تحقیقات و اندیشه‌های حوزه‌های خود را در اختیار تاریخ سرافراز انقلاب و جمهوری اسلامی و مسئولین دوره‌های بعد می‌گذاشتند، اگر راهکارهای اثربخش و زودبازده‌ای که در دوران تصدی خود توفیق نیل به آن را نداشتند، به یادگار می‌گذاشتند، اگر صاحبان اندیشه و نخبگان حوزه‌ی فعالیت خود را به همگان معرفی می‌کردند و در کنار مدیریت خود که قطعاً هدایت است و اداره، به تربیت مدیران دیگر می‌پرداختند، تاکنون ارزنده‌ترین مجموعه‌ها را در اختیار داشتیم، تا به مسئولین و جوانانی که ناخدايان این کشتی امید و نجات خواهند بود، منتقل کنیم و مجبور نشویم همواره با آزمون و خطا در اندیشه‌ی مدیریتی خود از سرعت رشد و شکوفایی انقلاب اسلامی بکاهیم.

عاشقان خدمت بدین گونه به ما آموختند که عشق یعنی تمرین نیایش، خدمتگزاری تنها نیایش مقبول و بی‌چون و چرای خداوندی است و این حاصل نمی‌شود مگر حضور دائم خداوند را در زندگی خود و مسئولیتی که داریم فراموش نکنیم. شهیدان را شاهدان و ناظران عینی بر اعمال خود بدانیم و تلاش ما در جهت شادی روح آنها که این امانت بزرگ را به ما سپردند، باشد.

آنان به ما آموختند و ما باید بیاموزیم تا توان آموزش داشته باشیم و در این آموختن باید بدانیم که همانگونه که امواج بدون ارتباط با اقیانوس نمی‌توانند به خودی خود وجود داشته باشند، ما نیز بدون استفاده از تجارب دیگران نمی‌توانیم به زندگی ادامه دهیم. در رفتار سازمانی وقتی با یک

انگشت به کسی اشاره می‌کنیم سه انگشت دیگر به سوی خودمان است، زیستن با اشتباه مفیدتر از زیستن بدون انجام کاری است، بزرگ‌ترین آزمایش یک مرد بزرگ، تواضع است. زنده ماندن در قلب کسانی که بعد از ما زندگی می‌کنند، ما را زنده نگه می‌دارد، خداوند به مدال‌ها و مدارج ما نگاه نمی‌کند، بلکه به زخم‌هایی که در راه خدمت و رضایت او داریم، می‌نگرد.

مهم‌ترین خواست خداوند از ما این است که از خود پیرسیم چگونه می‌توانیم به بشریت خدمت کنیم، اجازه دهیم زندگی به سادگی، دلسوزی، تواضع، عشق، خدمت، بی‌خوبی و ایثار بگذرد بدانیم کسی که راه غلط را می‌رود بیشتر شانس دارد تا راه درست بیاید تا آن که راه درست را غلط می‌رود. بیاموزیم و تعلیم دهیم که با نزول دادن دیگران نمی‌توان ارتقاء یافت، به همان اندازه که دست دیگران را می‌گیریم به خودمان یاری رسانده‌ایم، این قانون الهی است.

به جوانان بیاموزیم که رمز موفقیت، اشتیاق و استمرار است و این که، همه‌ی افراد در یک مسیر حرکت می‌کنند، تنها تفاوت، در نقطه‌ی حرکت است، باور کنیم که همه‌ی ما بسیار زود پیر می‌شویم و دیر هوشیار، باید خوی مردم‌داری و عشق به دین‌داری را در دل‌ها زنده کنیم؛

چو گیرد خوی تو مردم سرشتی هم این‌جا و هم آن‌جا در بهشتی

عشق‌ها گرکز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت رنگی بود

باید نجابت را از گل سرخ، لطافت را از بهار، عطش را از تابستان، تنهایی را از پاییز، پاکیزگی را از زمستان، عشق را از اغماض، ایثار را از عشق و دوست داشتن را از مادر بیاموزیم. دنیا را دار مکافات بدانیم ذره‌ای شر و خیر را در این دنیا و آن دیار خواهیم چشید.

این جهان کوه است و فعل ما نداست سوی ما آید نداها را صدا

به جوانان پیاموزیم که دانستن حاصل خواندن، و فهمیدن حاصل فکر کردن، و درک حاصل تحمل رنج است. جز خدا ندانیم و نبینیم که چاپلوسی یونجه لطیفی است برای درازگوشان دمبه‌دار. انتقادپذیر باشیم و نقادی را فرهنگ جامعه کنیم زیرا خشمگین شدن از انتقاد، تاکیدی بر درستی آن است.

از جویبار حقیری که به مرداب می‌ریزد انتظار صید مروارید نیست، آنچه که رشد نمی‌کند می‌میرد، به همین خاطر دیگران به مرده لگد نمی‌زنند، لگد و دست‌انداز برای کسانی است که خلایق و رشد دارند. در همه‌ی مشکلات، معنا و مقصودی است و سرانجام همه به خیر خواهد انجامید.

اگر به چیزی جز پیشرفت و ارتقاء نمی‌اندیشیدیم و در برابر کوچکترین مسئولیت اجتماعی بزرگترین وسعت‌ترین حساسیتی الهی را مد نظر قرار دهیم، اگر بپذیریم که چنانچه مهربان باشیم و قدرت و نیروی خود را در میزان خدمت و احسان و نیکی به مردم بدانیم، اگر شیشه باشیم که از آن سو فقط مردم را بینیم و نه آئینه که فقط خود را بینیم، اگر از تمرین پیاموزیم که تا رسیدن به مقصد همراه نامه باشیم، نگاهمان به دنیا و مسئولیت‌های این دنیا نزدیک به نگاه انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام باشد، دیگران هم به اندازه ما می‌فهمند و ما خدای مردم نیستیم که تقدیرشان را رقم زنیم، بلکه خدمتگزاریم که چند صباچی در ورطه‌ی امتحان و آزمایش الهی قرار گرفته‌ایم. تاریخ بزرگان را هر شب چند صفحه‌ای ورق بزنیم، دنیا را متاع قليل بدانیم و اینکه ایمان و اعتراف به ایمان در رفتار آدمی عیان می‌شود و نه گفتارش، آنگاه است که راه را درست طی خواهیم کرد و وعده‌های خداوند متعال را عملی خواهیم ساخت.

اگر باور داشته باشیم که خداوند عمدتاً از کارها و وظائفی که به‌مهده‌ی ما بوده است و عمل نکردیم سوال می‌کند و سپس از آنها که عمل کردیم، به یاد داشته باشیم که خدمت به دیگران شاخص‌ترین نوع تمرین معنوی است و از واژه‌ی «من» گریزان باشیم که

حرکت معنوی انسان را متوقف می‌کند، پیاموزیم اساس خدمتگزاری عشق است و زیر بنای عشق آزادی است و اجبار، عشق را می‌پوساند، به نتیجه و دستاورد کارمان توجه کنیم که چه شادی و شادکامی در جامعه ایجاد کرده است، انسان‌ها را بندگان و نمایندگان خداوند روی زمین بدانیم که خدمت به آنها رضایت خداوند را حاصل می‌کند. در اینصورت خدمت به مردم یک فرصت است برای بالیدن، برای شدن و برای شکفتن.

تا خدائی نباشی زندگی روی خرسندی را نخواهد دید، لحظه‌های خدمت را غنیمت شمیریم زیرا فرصت بسیار کوتاه است و از دست می‌رود و بازگشتی نیست. به مردم پیاموزیم که بر روی کف پاهایشان بمیرند تا آنکه بر زانوهایشان زندگی کنند و در نهایت اگر اشتباهی مرتکب نشده‌ایم مفهومی این است که تلاشی کامل و صددرصد نداشته‌ایم. پس، از شکست و اشتباه نهراسیم بلکه تجربه کنیم و چراغ راه خود سازیم و هزاران اگر و باید... تا شدن، آنگاه است که وارث زمین می‌گردیم و نام نیک بر جای می‌گذاریم و مرگمان تولد مبارک و خجسته‌ای در جمع بهشتیان خواهد بود.

با این اندیشه و فکر مجموعه‌ای «چندان هم مشکل نیست!» شکل گرفت اما بسیار گذرا تا تدبیر و تدبیر زنده کند و خلاقیت و شکوفایی بیافریند و او که یگانه خالق هستی است می‌داند که جز راهگشایی و آزمون یافته‌ها و روشن کردن شمع در تاریکی، مقصد دیگری در سر نبود جز انصاف و تقدیر و ارج نهادن به خدمتگزاران، شاید حضرت حق خود قصور و تقصیر ببخشاید. «و هذا غیضٌ من فیض»

والسلام علی من اتبع الهدی

قاسم فرج اللهی

بیست و ششم تیر ماه هشتاد و هفت هجری شمسی

مصادف با سیزدهم رجب هزار و چهار صد و بیست و نه هجری قمری